

۱۳۸۱/۱۰/۲۴

مغازہ خودکشی

اثر ژان تولی^۱

www.ketab.ir

ترجمہ: آزادہ کتبی



سرشناسه	: توله، ژان، ۱۹۵۳-۲۰۲۲ م. Teulé, Jean, 1953-2022
عنوان و نام پدیدآور	: مغازه خودکشی / ژان تولی؛ ترجمه آزاده کتبی.
مشخصات نشر	: تهران : آلا قلم، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۵-۳۳-۵۶۶۰-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان " The suicide shop : a novel " به فارسی
برگردان شده است.	: کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت ترجمه و منتشر شده است.
موضوع	: داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰ م. French fiction -- 20th century
شناسه افزوده	: کتبی، آزاده، ۱۳۶۸ - مترجم
رده بندی کنگره	: PQ۲۶۶۵
رده بندی دیویی	: ۸۴۳/۹۱۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۶۰۹۸۵۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

نام کتاب	: مغازه خودکشی
نویسنده	: ژان تولی
مترجم	: آزاده کتبی
نوبت چاپ	: اول، ۱۴۰۳
تیراز	: ۱۰۰۰
شابک	: ۵-۳۳-۵۶۶۰-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۱۸۰,۰۰۰ تومان

نشر آلا قلم

۷۷۵۱۰۳۴۲-۰۹۱۹۳۵۷۵۰۲۷-۰۹۱۹۴۲۶۸۹۰۳

www.alaghalam.ir

مغازه خودکشی کتابی است با مضمون ناامیدی و امید... تاریکی و روشنایی... مرگ و زندگی ...

مغازه خودکشی یکی از نمونه‌های درخشان فانتزی سیاه است. ژان تولی که علاوه بر نویسندگی، در حوزه‌ی فیلمنامه نویسی و تصویر نیز دستی دارد در این کتاب ما را به جهانی سراسر تاریک و سورئال می‌برد.

اینجا در مغازه خودکشی، در شهری که در آن مذهب و ایمان همچون نامش بدست فراموشی سپرده شده است، میل به زندگی در میان مردم به چشم نمی‌خورد.

اینجا در زمانی از آینده‌ی دور در مکانی که آن را به خوبی نمی‌شناسیم. جهان رنگ‌گریبی به خود گرفته است ...

دیگر هیچ نشانی از چهار فصل نیست ... دیگر گل و گیاهی در همسایگی مردم دیده نمی‌شود ... دیگر همه‌ی آنچه که وجود دارد خاک است و غبار است و تاریکی ...

در میان مردمی که مدت‌هاست خندیدن را فراموش کرده‌اند و حتی برای کریز آینه تصویر خود، در خانه آینه‌ای ندارند خاندان تواج برای خود رسالتی قائل گردیده است: تسهیل خودکشی!

آنها در مغازه‌ای که حتی نور آفتاب به داخلش راهی نمی‌برد، هر آنچه که برای خودکشی موفق به عقل آدمی خطور می‌کند را دارند... و چه کسب و کار بر رونقی!

این تاریکی تا آنجایی تداوم می‌یابد که فرزند آخر خانواده یا به جهان هستی می‌گذارد. با تولد آلن، ورق برمی‌گردد! او آرام آرام و آهسته آهسته، در دل‌ها رسوخ می‌کند! او به روزنه‌ای در دل تاریکی می‌ماند، به چشمه‌ای در دل کویر، به شکوفه‌ای در دل خزان...

پایان‌بندی کتاب اما همانند موضوع بکر و بدیعش، دور از انتظار است... اینجا دیگر با کلیشه‌های مرسوم‌رمان‌های مشابه مواجه نیستیم. این پایانی است که ضربه‌ی نهایی را به مخاطب می‌زند و تا مدت‌ها فکر او را به خود مشغول می‌سازد. آیا هرگز از این اژدهای خونخوار ناامیدی، راه‌گزینی وجود دارد؟

آزاده کُتبی